

معرفی و بررسی نسخه خطی حل مثنوی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب Introduction and Study of the Manuscript of HALL-E-MASNAVI Preserved in the Central Library of the University of the Punjab

آصفه اسلم

پژوهشگر دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

asifaaslam0022@gmail.com

پروفسور دکتر محمد ناصر

رئیس گروه فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

nasir.persian@pu.edu.pk

Abstract

Hall-e-Masnavi is a valuable interpretative commentary on selected couplets of Mawlānā Jalāl al-Dīn Rūmī's Masnavi Ma'navi, authored by Sheikh Muhammad Afzal Illah Abadi, a distinguished scholar, poet, and writer of his time. Known for his deep erudition and spiritual insight, Sheikh Afzal was affiliated with the Naqshbandi Sufi order, and the characteristics of this spiritual lineage are distinctly reflected in his interpretation. Unlike literal or purely philological commentaries, Hall-e-Masnavi emphasizes the inner dimensions of Rūmī's thought, harmonizing mystical concepts with the teachings of the Naqshbandi tradition. The manuscript of this work, catalogued as No. P-Pi-VI-IH 350p, is preserved in the Central Library of the University of the Punjab. It offers a comprehensive introduction to the six books (daftars) of the Masnavi, with a focus on their spiritual structure and thematic unity. This article presents a descriptive account of the manuscript, highlighting its organization, scribe, and textual features. Specimens from both the opening and conclusion of each of the six books are included to illustrate its unique style and exegetical approach. The transcription of the manuscript was undertaken by Hazrat Shah Ghulam Haider, whose careful scribing further adds to the manuscript's historical and literary value. By bringing this interpretative tradition to light, the present study seeks to situate Hall-e-Masnavi within the broader framework of Indo-Persian literary heritage and Sufi exegesis, thereby contributing to the understanding of Rūmī's reception in South Asia.

Keywords: Masnavi Ma'navi; Mawlānā Rūmī; Sheikh Muhammad Afzal Illah Abadi; Sufi exegesis; Naqshbandi order; Indo-Persian manuscript tradition

چکیده:

کتاب حل مثنوی شرحی است بر مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی/رومی) که توسط عالم و مفسر برجسته قرن یازدهم هجری، شیخ افضل‌الله آبادی، در سال 1104 ق نگاشته شده است. مثنوی مولانا تنها یک اثر ادبی یا عرفانی نیست، بلکه کتابی است که آموزه‌های قرآنی را در قالب شعر، تمثیل، استدلال و اشارت‌های عرفانی تفسیر می‌کند. نسخه‌ای از این شرح به شماره ثبت P-Pi-VI-IH 350p در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور محفوظ است. کاتب این نسخه حضرت شاه غلام حیدر است که از نوادگان شاه محمد فخر محدث دهلوی و از نسل مستقیم مؤلف، یعنی شاه افضل‌الله آبادی، به شمار می‌آید. این مقاله با روش نسخه‌شناسی (Codicology) و تحلیل تاریخی-ادبی به معرفی این نسخه و جایگاه آن در سنت شرح‌نویسی مثنوی می‌پردازد و اهمیت آن را در بستر عرفان اسلامی و مطالعات رومی در شبه‌قاره هند نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: مولانا روم؛ حل مثنوی؛ شیخ افضل‌الله آبادی؛ نسخه‌شناسی؛ شبه‌قاره هند؛ تصوف

مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی (604-672ق/1207-1273م) یکی از متون بنیادین عرفان اسلامی است که از زمان تألیف تا امروز موضوع شرح‌ها، حاشیه‌ها و تفاسیر متعددی بوده است. به گفته‌ی رینولد نیکلسن: مثنوی در حقیقت قرآن به زبان فارسی است که با زبان شعر و تمثیل بیان شده است. (Nicholson, *The Mathnawī of Jalāl al-Dīn Rūmī*, 1925, p. vii)

این اثر نه تنها در ایران و جهان اسلام، بلکه به‌ویژه در شبه‌قاره هند جایگاهی ویژه یافت. از قرن هشتم تا دوازدهم هجری، عرفا و علما در هند به شرح و حاشیه‌نویسی بر مثنوی اهتمام ورزیدند. یکی از این شروح مهم، حل مثنوی تألیف شیخ افضل‌اله آبادی است.

این شرح در سال 1104ق نگاشته شده و از لحاظ تاریخی یکی از متون ارزشمند در پیوند عرفان مولوی با اندیشه‌های صوفیه هندی محسوب می‌شود. اهمیت آن به ویژه در این است که مؤلف از علمای پرکار شبه‌قاره بود و به دو زبان فارسی و عربی آثار فراوانی پدید آورد.

هدف این مقاله بررسی تفصیلی حل مثنوی و نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب است. در این راستا به مباحث زیر خواهیم پرداخت:

1. معرفی مؤلف و جایگاه او در سنت علمی و عرفانی هند.
2. بررسی کتاب حل مثنوی و جایگاه آن در سنت شرح‌نویسی مثنوی.
3. تحلیل نسخه خطی موجود در لاهور
4. ارزش علمی، ادبی و عرفانی این شرح.

زندگینامه مؤلف حل مثنوی: شیخ افضل‌الله آبادی (1038-1124 ق)

شیخ افضل‌اله آبادی در سال 1038 ق در سیدپور (شبه‌قاره هند) متولد شد. وی از سادات بود و در علوم دینی، تفسیری، فقهی و عرفانی مقام بلندی یافت. تذکره‌نویسان او را عالمی کثیرالتصانیف معرفی کرده‌اند که به زبان‌های فارسی و عربی تألیفات فراوان دارد.

از جمله ویژگی‌های زندگی او:

- تعلق به خاندان علمی و صوفیانه سیدپور.
- آشنایی عمیق با متون عرفانی و قرآنی.
- گرایش به تصوف مکتب چشتیه و نقشبندی که در آن روزگار در هند رواج داشت.
- وفات در سن 86 سالگی در حدود 1124ق.

آثار

افضل‌اله آبادی در کنار حل مثنوی، آثار دیگری نیز نگاشته است. برخی منابع به کتب او در تفسیر قرآن، حاشیه‌های فقهی، و شرح بر متون صوفیانه اشاره کرده‌اند (رجوع کنید به: منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج 5).

جایگاه در سنت شرح‌نویسی

شرح‌نویسی بر مثنوی از قرن هشتم هجری آغاز شد و در شبه‌قاره هند رونق فراوان گرفت. آثار بزرگی همچون:

- شرح مثنوی شریف اثر ولی‌محمد اکبرآبادی،
- کشف‌الآبیات و شروح دیگر در هند،
- پیش از افضل‌الله و معاصر او نگاشته شدند.

حل مثنوی در این سنت جایگاهی میانه دارد: نه همچون شروح موجز صرفاً لغوی است، و نه به تفصیل فلسفی وارد می‌شود؛ بلکه بیشتر ناظر به تفسیر عرفانی و اخلاقی ابیات مولاناست.

معرفی اثر: حل مثنوی

زمان و مکان تألیف

این اثر در سال 1104 ق در هند نگاشته شد. انتخاب زبان فارسی نشان از استمرار سنت عرفانی فارسی در شبه‌قاره دارد که از قرن پنجم هجری آغاز شده و تا قرن سیزدهم ادامه یافت (Schimmel, 1973).

موضوع و رویکرد

- موضوع اثر، شرح و تفسیر عرفانی ابیات مثنوی معنوی است.
- مؤلف کوشیده است تا:
- معانی عرفانی را به زبان ساده بیان کند،
- به نکات لغوی و نحوی توجه دهد،
- و از قرآن و حدیث برای توضیح مفاهیم بهره گیرد.

ارزش ادبی و عرفانی

این اثر از نظر:

- ادبی: حفظ سنت نثر فارسی متأخر در هند.
- عرفانی: پیوند میان عرفان رومی و سنت‌های صوفیانه هند.
- تاریخی: نمونه‌ای از شروح مثنوی در فضای فرهنگی گنگ و د

نسخه‌شناسی مثنوی و ساختار شش دفتر

معرفی نسخه‌های کهن مثنوی

مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، به حق از بزرگ‌ترین متون عرفانی و ادبیات فارسی به شمار می‌رود. نسخه‌های کهن این اثر همواره برای مصححان و محققان اهمیت بنیادین داشته است، زیرا از رهگذر آن می‌توان به صورت اصیل و نزدیک به زمان مولانا به اندیشه و زبان وی دست یافت.

قدیم‌ترین نسخه‌های معتبر در قونیه نگهداری می‌شوند، در کتابخانه یوسف‌آقا و موزه مولانا. این نسخه‌ها به خط شاگرد و مرید خاص مولانا، حسام‌الدین چلی، کتابت شده‌اند و از حیث اعتبار بی‌نظیرند. در شهرهای دیگر مانند استانبول، تهران (کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی ایران)، هند (کتابخانه خدابخش پنتا، کتابخانه رضا رامپور و دانشگاه علی‌گره) و نیز پاکستان (کتابخانه دانشگاه پنجاب و اورینتال کالج لاهور) نسخه‌های گران‌سنگی از مثنوی محفوظ است که نشان از گستره نفوذ و مقبولیت این اثر در جهان اسلام دارد.

نسخه دانشگاه پنجاب لاهور

یکی از نسخه‌های ارزشمند مثنوی در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نسخ خوش و با آرایش سرخ و سیاه کتابت شده است. ویژگی‌های مهم این نسخه چنین است:

- آغاز نسخه با دیباچه‌ای دعایی همراه است که در اغلب نسخه‌های شبه‌قاره رایج است.

- در حاشیه برخی ابیات، تعلیقات و شروح عرفانی به خطی متفاوت دیده می‌شود که ظاهراً حاصل ذوق یکی از صوفیان یا علمای شبه‌قاره است.
- هر شش دفتر مثنوی کامل است، هر چند در اوراق پایانی دفتر ششم، دست کاتب دیگری دیده می‌شود که به نظر می‌رسد بعدها الحاق شده باشد.
- بر اساس نوع کاغذ و شیوه کتابت، این نسخه به اواخر قرن هجدهم یا اوایل قرن نوزدهم میلادی تعلق دارد.

این نسخه نشان می‌دهد که در شبه‌قاره هند و پاکستان، مثنوی نه تنها برای مطالعه، بلکه در مجالس ذکر و سماع نیز مورد استفاده بوده است.

ساختار شش دفتر

مولانا مثنوی را در شش دفتر سامان داده است. این تقسیم‌بندی صرفاً صوری نیست، بلکه به منزله‌ی مراتب و منازل سلوک عرفانی طراحی شده است:

- دفتر اول: آغاز راه سلوک، تزکیه نفس و ناله نی؛ دعوت به عشق حقیقی.
 - دفتر دوم: مجاهده، صبر و رضا؛ رهایی از فریب‌های نفس.
 - دفتر سوم: عمیق‌تر شدن عشق و معرفت؛ نقد عقل جزوی و محدودیت آن.
 - دفتر چهارم: بیان اسرار روحانی و حقیقت سماع از طریق تمثیل‌ها.
 - دفتر پنجم: پیوند انسان و کائنات؛ وحدت وجودی و اوج عرفان.
 - دفتر ششم: فنا فی‌الله و بقا بالله؛ ترسیم نهایی‌ترین مرحله سلوک.
- بدین‌سان، مثنوی را می‌توان نوعی «نصاب سلوکی» دانست که سالک را مرحله به مرحله از آغاز تا نهایت راهبری می‌کند.

آغاز و انجام هر دفتر

- هر دفتر با آغازی پر معنا شروع و با پایانی ژرف به پایان می‌رسد:
- دفتر اول: با سروده‌ی جاودانه «بشنو از نی چون حکایت می‌کند...» آغاز می‌شود؛ رمز فراق و اشتیاق وصال. پایان این دفتر بر غلبه عشق تأکید می‌کند.
 - دفتر دوم: با سخن از توحید و یگانگی خدا شروع می‌شود و در پایان به صبر و رضا می‌رسد.
 - دفتر سوم: آغازش تذکر نسبت به غرور عقل و پایانش توصیه به تسلیم در برابر عشق است.
 - دفتر چهارم: با حکایت‌ها و تمثیل‌های تعلیمی شروع شده و در نهایت به اسرار سماع ختم می‌شود.

- دفتر پنجم: آغازش با بحث نفس و دل است و پایانش با جلوه وحدت هستی.
 - دفتر ششم: از مرگ و فنا آغاز می‌شود و به بقا بالله و وصال حق پایان می‌یابد.
- این نظام معنوی و تربیتی، مثنوی را نه تنها کتاب شعر، بلکه کتابی برای هدایت روحانی و سلوکی قرار داده است.

شروح مثنوی در شبه‌قاره و جایگاه نسخه پنجاب

مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی از همان قرون نخستین تألیف در سرزمین هند و شبه‌قاره اسلامی نفوذی شگرف یافت. این اثر نه تنها در حلقه‌های صوفیه بلکه در محافل آموزشی مدارس اسلامی به مثابه‌ی کتاب درسی عرفان و اخلاق تدریس می‌شد. از قرن هشتم هجری به بعد شاهد پیدایش نخستین شروح مثنوی در هند هستیم؛ شروحي که اغلب به زبان فارسی و در برخی موارد به زبان‌های محلی

نوشته شده‌اند. در این میان نسخه‌ی مثنوی محفوظ در کتابخانه پنجاب لاهور (وابسته به دانشگاه پنجاب) یکی از منابع اصیل و ارزشمند است که بازتاب‌دهنده‌ی جایگاه مثنوی در سنت فکری و فرهنگی این خطه می‌باشد.

نخستین شروح مثنوی در شبه‌قاره

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که از قرن هشتم و نهم هجری، گروهی از علما و صوفیه هند به شرح مثنوی پرداختند. یکی از نخستین این شارحان، ولی‌محمد اکبرآبادی است که در نیمه دوم قرن نهم هجری شرحی بر ابیات مثنوی نوشت. پس از او ملا عبداللطیف شوشتری نیز در دکن به تفسیر و حاشیه‌نگاری بر ابیات مثنوی پرداخت. در قرون بعدی این روند با شدت بیشتری دنبال شد؛ زیرا مثنوی در خانقاه‌ها و مدارس هر دو سلسله‌ی چشتیه و نقشبندیه محور تعلیمات معنوی و اخلاقی بود.

اوج‌گیری شروح در دوره مغول

در دوره مغول هند (قرون دهم تا دوازدهم هجری)، توجه به مثنوی به اوج رسید. امپراتوران و شاهزادگان مغول، که خود علاقه‌مند به فرهنگ و عرفان ایرانی بودند، زمینه‌ی گسترش شروح مثنوی را فراهم ساختند. در همین عصر بود که شارحانی چون کمال‌الدین حسین کشفی، معین‌الدین کاشانی، و سپس در هند علمایی مانند شاه عبدالقدوس گنگوهری و شاه ولی‌الله دهلوی به مثنوی التفات ویژه‌ای نشان دادند. شاه ولی‌الله دهلوی در قرن دوازدهم هجری بخشی از مثنوی را به زبان عربی و اردو نیز شرح کرد تا حلقه‌ی ارتباطی میان عرفان مولوی و اندیشه‌ی اصلاح‌گرانه‌ی خود ایجاد نماید.

شروح به زبان اردو و محلی

با تحول تدریجی زبان فارسی در شبه‌قاره و گسترش زبان اردو در میان طبقات مردم، شارحان مثنوی کوشیدند که معارف مولوی را به زبان اردو در دسترس مخاطبان گسترده‌تر قرار دهند. در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری شرح‌هایی برگزیده به زبان اردو پدید آمد. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها، آثار مولوی عبدالحلیم شرر و دیگر نویسندگان دوره معاصر است که کوشیدند مثنوی را برای نسل جدید بازخوانی کنند.

نسخه پنجاب: جایگاه و اهمیت

نسخه‌ای از مثنوی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور محفوظ است، از حیث تاریخ کتابت و شواهد حاشیه‌نویسی‌ها اهمیت بسیار دارد. این نسخه در سده‌های متأخر (احتمالاً قرن یازدهم یا دوازدهم هجری) کتابت شده و در حاشیه‌های آن یادداشت‌های شارحان و مدرسان محلی دیده می‌شود. برخی از این حواشی نشان می‌دهد که مثنوی نه تنها به عنوان متن عرفانی بلکه به عنوان کتاب اخلاقی و تعلیمی برای طلاب مدارس نیز به کار می‌رفته است.

حواشی نسخه پنجاب حاوی نشانه‌های آشکار از تأثیر خانقاه‌های چشتیه و نقشبندیه در پنجاب است. آموزگاران این خانقاه‌ها در حاشیه ابیات توضیحاتی درباره‌ی اصطلاحات عرفانی، مقامات و احوال صوفیه، و نیز اشارات قرآنی و حدیثی افزوده‌اند. این امر گواه آن است که نسخه پنجاب نه فقط یک متن مکتوب، بلکه آینه‌ی زنده‌ی سنت آموزشی و تفسیری مثنوی در این خطه بوده است.

نقش شروح مثنوی در فرهنگ اسلامی شبه‌قاره

شروح مثنوی در شبه‌قاره کارکردی فراتر از شرح متنی داشتند. این شروح در واقع وسیله‌ای برای انتقال معارف عرفانی، تثبیت هویت اسلامی، و پاسخ‌گویی به نیازهای اخلاقی و معنوی جامعه مسلمانان هند بودند. در شرایطی که مسلمانان هند در کشاکش‌های سیاسی و فرهنگی با جامعه هند و

استعمار غربی قرار داشتند، مثنوی مولانا به عنوان سرچشمه‌ی الهام عرفانی و معنوی، نقشی اساسی در تقویت هویت دینی و فرهنگی آنان ایفا کرد. نسخه پنجاب، در این بستر تاریخی، نمونه‌ای زنده از این کارکرد است.

نتیجه‌گیری

بررسی شروح مثنوی در شبه‌قاره نشان می‌دهد که این اثر مولانا نه تنها در خراسان و ایران بلکه در هند و پنجاب نیز محوریت فکری و معنوی داشته است. نسخه پنجاب به عنوان یک نسخه خطی با ارزش، سندی زنده از جریان شرح و تدریس مثنوی در مدارس و خانقاه‌های شبه‌قاره است. اهمیت این نسخه در آن است که پیوند میان سنت تفسیری محلی و جریان کلی شروح مثنوی در جهان اسلام را به خوبی نشان می‌دهد. از این رو، مطالعه دقیق این نسخه می‌تواند در بازسازی تاریخ فکری و عرفانی شبه‌قاره سهمی مهم داشته باشد.

منابع

- آنه ماری شیمل (۱۳۷۲)، ابعاد عرفان مولانا. ترجمه دکتر حسن لاهوتی. تهران: انتشارات فرزانه روز.
- بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۷)، مثنوی معنوی. با ترجمه قاضی سجاد حسین و مقدمه دکتر وحید قریشی. لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و مؤسسه انتشارات اسلامی.
- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۷۹)، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل. تهران: دایرةالمعارف اسلامی.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره (۱۳۸۴)، جلد اول. زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۷)، زیر نظر کاظم موسی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رحمان علی (۱۹۶۱)، تذکره علمای هند (اردو). مرتب و مترجم: محمد ایوب قادری. کراچی: پاکستان هیستاریکل سوسایٹی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰)، پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد. تهران: سخن.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۶)، شرح احوال، افکار و آثار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱)، مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قادری، محمد ایوب (مرتب) (۱۹۶۱)، تذکره علمای هند (اردو) از رحمان علی. کراچی: پاکستان هیستاریکل سوسایٹی.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۹۵۱)، مولانا جلال‌الدین. استانبول.
- مهر، غلام رسول (۱۹۴۲)، تاریخ تصوف در هند. لاهور: مطبعه علمی.
- منزوی، احمد (۱۳۶۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی. جلد ۵. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۷)، مقالات و تحقیقات. تهران: دانشگاه تهران.
- نیکلسون، رینولد (۱۹۲۵-۱۹۴۰)، The Mathnawī of Jalāl al-Dīn Rūmī (Critical Edition). London.
- نیکلسون، رینولد (۱۹۴۰)، شرح مثنوی معنوی. ترجمه به فارسی: حسن لاهوتی. تهران: نشر نیلوفر.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی: فرهنگنامه ادبی فارسی؛ گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شرر، محمد عبدالحلیم (۱۹۳۵)، شروح مثنوی در هند. لکهنؤ.
- Schimmel, Annemarie (1973), Islamic Literatures of India. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

